

شهید موسی دوراهی



از بشارت علی
سازمان جامع سرداران و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۱۲/۰۳
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۱/۲۸
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	دوراهک

زندگینامه

دانش آموز شهید موسی دراهکی، در سال ۱۳۴۷ در دوراهک دیده به جهان گشود. ۶ سال داشت که پا به مکان تعلیم و تربیت نهاد و با احراز رتبه اول در بین همکلاسان، دوره ابتدایی را به پایان رساند، و وارد دوره راهنمایی شد و این مرحله از زندگی را در مدرسه راهنمایی شهید منتظری دیر با مشقت فزون از حد با حفظ ممتازیت پشت سر گذاشت.

شهید، همیشه کتاب در دست داشت و کمترین اوقات را غنیمت می شمرد. علاقه وافری به کتب غیر درسی خصوصاً کتاب های شهید محراب آیت الله دستغیب داشت.

مقطع تحصیلی متوسطه را در دبیرستان آیت الله طالقان دیر در رشته علوم تجربی ادامه داد و در طرح کاد در داروخانه و بهداری بود که کمک های اولیه، تزریقات، پانسمان و شناخت دارویی را فرا گرفت و نور امید در دل محرومان شهر و روستایش زنده کرد که موسی به زودی پزشکی حاذق، ماهر و دلسوز برای مردم این منطقه خواهد شد.

در آداب و معاشرت های اجتماعی، متواضع، خوشرو و متبسم و متین بود. او مبلغ رسالات الهی بود و با فعالیت ذهای گسترده فرهنگی، این مطلب را روشن ساخت. کتابخانه صاحب الزمان (عج) دوراهک را با اخلاق، جذابیت و با تکبه بر بار علمی اش اداره می کرد و در فرصت های مناسب، خصوصاً تابستان، فرزندان اسلام را درس قرآن می داد.

شهید دراهکی، در امور هنری به ویژه نمایشنامه، علاقه و ذوق خاصی داشت؛ در نمایشنامه «در خون خفتگان» نقش شهید را ایفا می کرد. بعد از شهید نعمت الله دراهکی، موثرترین فرد در مدیریت و انجام امور تبلیغاتی انجمن اسلامی سلمان دوراهک، خصوصاً در ارتباط با سازمان تبلیغات اسلامی دیر، شهید موسی دراهکی بود. شهید همچنین عضو شورای انجمن اسلامی مدرسه راهنمایی شهید محمد منتظری و دبیرستان آیت الله طالقان دیر نیز بود. در برنامه های فرهنگی مدرسه مانند نوشتن و قرائت مقاله، حضور فعال و چشمگیر داشن. به شهیدان و واژه شهادت، عشق و علاقه ویژه ای داشت و در تمامی مراسم شهدا، مقاله ای از طرف انجمن اسلامی یا بسیج می نوشت و قرائت می کرد.

با اصرار پدر و مادرش، قبول کرده بود که ازدواج کند، لذا مقدمات آن را فراهم نموده و در انتظار بودند تا اینکه او از جبهه برگردد و برا ی او حمله ببندند، اما حمله اش در سنگر خونین رزم بسته و همگام با شهیدان به سوی معبود پر کشید.

شهید، طی چهار مرحله در تاریخ های ۳۰/۷/۱۳۶۱، ۱۸/۳/۱۳۶۳، ۶/۱۲/۱۳۶۳ و ۱۷/۹/۱۳۶۴ به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد که به ترتیب در دهلران، زبیدات، عملیات بدر و در مرحله آخر نیز با گراوان اول راهیان کربلا، مشتاقانه به سوی صحنه های مصاف حسینیان با یزیدیان شتافت و در سمت منشی گروهان یکم گردان ابوالفضل (ع) از ناوتیپ امیرالمومنین (ع) وارد صحنه ی پیکار گردید و پس از چند روز دفاع و شرکت در تگ سنگین دشمن، در تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۶۴ در منطقه فاو بر اثر اصابت راکت هواپیمای دشمن به همراه پسر عمویش، قاسم به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

با نام یکتای هستی بخش کون و مکان و به وجود آورنده ی هستی از انجم تا به کهکشان که جان ما همه ی انسان ها و وجود هستی در ید قدرت اوست. و با شهادت به پیامبری حضرت خاتم، تتمه دور و زمان، محمد مصطفی(ع) و امامت علی(ع) اولین پیشوای بر حق و ائمه اطهار و ابراز ارادت خدمت منجی عالم بشریت و نجات دهنده ی دین اسلام نایب بر حق او، امام امت و سلام بر امت قهرمان و شهید پرور، وصیتم را شروع می نمایم، باشد که به رضای خدا به وصایای شهدا عمل کنید و امر امامتان را در این باره اجرا نمایید.

با این زبان قاصر، خدای کریم را حمد و سپاس می گویم که مرا در چنین برهه ای از زمان، هستی داد که بتوانم او را تا آنجا که عظم اجازه می دهد بشناسم و در راه او در صف کفر ستیزان قرار گیرم.

خدای را شکر که مرا در گیر کردن در دوراهی حق و باطل کمک کرد که طریق حق بیویم و از منجلا ب رذایل به یاری و مدد او رها شوم و خود را به سرچشمه پاک نور یعنی جبهه برسانم.

با قلبی مصمم و با اراده ای محکم و ایمان به وعده های به حق الهی آماده ی رسیدن فرمان فرماندهی کل قوا هستم که به خیل کاروان ناصران دین و میهن و به صف متجاوزان به دین و ناموسی و کشور در راه خدا جهت انجام وظیفه دینی و میهنی خود و جهت انجام فرمان مرجع تقلید و عمل به آیه های قرآن، حمله برم، امیدوارم که خداوند مرا در راه انجام این وظیفه خطیر یاری کند و هیچگاه مرا به حال خود نگذارد و این عمل ناچیز مرا در راه خود ببذیرد و گرچه گنهگارم و رو سیاه به درگاه الهی، ولی امید عفو حضرت والا کرامت را دارم که از بزرگی خودش از گناهان بنده ی ضعیف خود درگذرد و اگر در این راه کشته شدم مرا شهید درگاه خود قرار دهید.

من گرد شمع وجود دینم و پروانه ام و می دانم که اگر در این راه پرم سوخت، شهید شده ام و شهادت سعادت است و خدایا تو خود به بنده ی خود کمک کن که برای رضای تو و دین تو بجنگم که در این صورت چه بکشم و چه کشته شوم پیروزم.

از شما مردم، شمایی که به گردن بنده حق دارید و من نتوانستم ادا کنم و از کسانی که به آن ها هر بدی کرده ام عاجزانه می خواهم که مرا ببخشند و مرا حلال کنند که دیگر وقت رویارو شدن و عذر خواهی از شما را ندارم و بیم عذاب آخرت دارم؛ پس شما را به خون پاک شهیدان کربلا و کربلای وطن قسم می دهم که مرا حلال کنید تا حقی از مردم بر گردنم نباشد.

ای مردم: امام امت را تا زنده اید داشته باشید که ما عزت خود و دینمان را مدیون او هستیم. گوش به فرمان او باشید. ای مردم با شرکت در جنگ بفهمانید که دین ما دین سازش و تسلیم نیست و جوان و پیر ما گرچه کشته شوند ولی ذلت را هرگز نخواهند پذیرفت و این را از سرور شهیدان خود آموخته اند و آنقدر می جنگند تا دشمن تسلیم آن ها شود. کمک های شما مردم جنگ را به اینجا رسانده، با کمک های پی در پی خود موجب دلگرمی رزمندگان را بیشتر کنید. فرزندان دلیر رزمنده خود را لباس رزم پوشانده و به سوی میدان های دفاع روانه کنید که عزت همیشگی ما در پیروزی در جنگ است.

محرومین و دادخواهان و مسلمانان تحت ستم دنیا را نجات بخشید. اسلام و انقلاب اسلامی ثمره ی خون شهیدان است؛ خون شهیدان و ثمره ی آن را پاس دارید.

عامل پیروزی شما اتحاد شماست. برای رسیدن به پیروزی نهایی اتحاد خود را حفظ کنید.

در همه جبهه هایی که به نفع اسلام و انقلاب است حضور دائم داشته باشید و در نمازهای جمعه و جماعات در مسجد شرکت کنید.

پدر و مادرم که بر گردن من حق دارید؛ از عذاب آخرت می ترسم و از شما عاجزانه می خواهم که حلالم بکنید که رضایت خدا در رضایت شماست.

اگر کشته شدم ضجه نزنید که روحم را بیازارید و دشمنم را شاد کنید و از خدا بخواهید که مرا شهید قرار دهد و قربانی را از شما بپذیرد. برادران عزیزم! برادری شما ادامه راه من و همه شهیدان است. از شهادت من نگران نباشید که من هم به هدف خود رسیده ام. و خواهرانم! کاری کنید که فاطمه زهرا از شما راضی شود، یعنی به یاد شهدای کربلا باشید و با حفظ حجاب، به راستی چشم چراغ ملت بخصوص خواهران حزب الله باشید.

دوستان همکلاسی ام و دبیران و فرهنگیان! شما در سنگر خود چنان نشان دهید که اسلام، دین پیشرفت و ترقی است و ما نیز می توانیم با تکیه بر ایمان و عقل خدادادی بر تکنیک جهان غلبه و در علم و صنعت پیشرفت کنیم.

به امید پیروزی در تمام جبهه های اسلام.

سرباز اسلام؛ بسیجی موسی دوراهی؛ ۵/۱۱/۱۳۶۴



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران